

مجمع جاتقی

تحقیقی درباره‌ی شورای عالی دربار صفوی

سید جمال موسوی^۱

طاهر بابائی^۲

چکیده: در دیوان‌سالاری دوره‌ی صفویه، مجمعی به نام جاتقی دیده می‌شود که از دیوان‌سالاری دوره‌ی مغول و تیموری، به حکومت صفویه راه یافت و به تکامل رسید. این مجمع، وظیفه‌ی ارائه‌ی مشورت به شاه و حل و عقد امور مربوط به جنگ و جانشینی شاه صفوی را بر عهده داشت و تعدادی از صاحب‌منصبان عالی رتبه و با نفوذ دوره‌ی صفوی، که در رأس آنان صدر اعظم قرار داشت، عضو این مجمع بودند. در پژوهش‌های مربوط به حیطه‌ی دیوان‌سالاری صفویه، این مجمع با دیگر مجامع درباری این دوره - به خصوص با مجلس بهشت آیین - خلط گردیده و مجمع مستقلی به حساب نیامده است. این پژوهش در پی اثبات این مدعاست که مجمع جاتقی، مجمع کاملاً مستقلی بوده و از جنبه‌های گوناگون، یعنی از حیث اعضاء و وظایف، با مجامع دیگر، تفاوت داشته است. در این پژوهش، مجمع جاتقی از حیث نام، اعضاء، کارکردها و اهمیت آن در دیوان‌سالاری دوره‌ی صفویه، با تکیه بر شواهد تاریخی، مورد بررسی قرار گرفته و بدین سان معلوم شده است که هفت تن از صاحب‌منصبان تشکیلات صفوی عضو اصلی و دائمی مجمع جاتقی بوده‌اند. این مجمع، در غیاب شاه، با ریاست صدر اعظم تشکیل می‌شد. در کارنامه‌ی این مجمع، بررسی دو موضوع دیده می‌شود: یکی امور جنگی، و دو دیگر مسئله‌ی تعیین جانشین پادشاه. نظر به اهمیت این دو موضوع، و نیز جایگاه والای سیاسی و دیوانی اعضاء مجمع، می‌توان مجمع جاتقی را شورای عالی دربار صفوی نامید.

واژه‌های کلیدی: صفویه، دیوان‌سالاری صفوی، مجمع جاتقی، مجلس بهشت آیین

۱ استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران Jmoosavi@ut.ac.ir
۲ دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران Taherbabaei65@gmail.com
تاریخ دریافت: ۸۹/۱۲/۲۱، تاریخ تأیید: ۹۰/۲/۱۰

مقدمه

دولت صفوی (۹۰۶-۱۱۳۵ ه‍.ق) با در هم شکستن حکومت آق‌قویونلوها، حکومت خود را بر ایران مستقر ساخت و تشکیلات حکومتی جدیدی با تکیه بر مذهب و تصوف بنیان نهاد. این تشکیلات که ابتدا متأثر از تشکیلات حکومت‌های پیشین بود، به تدریج دستخوش تغییرات بسیاری گردید و ابداعات فراوانی، در شکل اداری امور و همچنین در اسامی، القاب و وظایف مناصب، در آن راه یافت. دستگاه اداری صفوی، دستگاهی بسیار بغرنج و پیچیده بود که هدف آن برقراری نظام نظارتی دقیق بر جریان رسمی امور، به‌علاوه‌ی برآوردن امیال و خواست‌های صاحبان مقام‌ها و مناصب‌ها بوده است.^۱ همین پیچیدگی در ساختار، سبب شده است که بخش‌های مختلف تشکیلات اداری صفوی، دچار درآمیختگی و ابهام شدید شود. در این میان، کمبود منابع خاص حوزه‌ی دیوان‌سالاری صفوی و همچنین وجود تناقض در گزارش‌های منابع، به پیچیدگی این حوزه افزوده است.

مجامع سلطنتی نیز، که در بطن تشکیلات حکومتی قرار داشتند، از این ابهام و پیچیدگی بی‌نصیب نمانده‌اند. از این میان، «مجلس بهشت آیین» و «مجمع جانقی»، که مهم‌ترین نهادهای مشورتی دربار صفوی محسوب می‌شدند، در حیطه‌ی کارکردها، اعضا و تشریفات به شدت با یکدیگر خلط شده‌اند که تمییز این دو از یکدیگر، با دشواری میسر است.

این تحقیق، جستاری است برای پاسخ گفتن به پرسش‌های زیر:

اعضای حقیقی و حقوقی مجمع جانقی چه کسانی بودند؟ کارکردها و وظایف مجمع چه بود؟ جایگاه و اهمیت مجمع جانقی در دیوان‌سالاری صفوی چه بوده است؟

معانی و شکل تلفظ واژه‌ی «جانقی»

واژه‌ی جانقی، واژه‌ای است مأخوذ از زبان ترکی که در فرهنگ‌های لغت و کتب تاریخی به‌معنای مصلحت، مشورت، تصمیم و مشاوره، کنکاش جمعی، مشاوره‌ی جمعی، مجلس و انجمن آمده است.^۲

۱ ولادیمیر مینورسکی ۱۳۷۸. سازمان اداری حکومت صفوی، ترجمه‌ی مسعود رجب‌نیا، تهران: امیرکبیر، ص ۲۸۵.
 ۲ میرزا مهدی‌خان استرآبادی ۱۳۷۳. سنگلاخ، به کوشش روشن خیاوی، تهران: نشر مرکز، ص ۱۳۹؛ علی اکبر نفیسی ناظم الاطباء [بی‌تا]. فرهنگ نفیسی، ج ۲، تهران: کتابفروشی خیام، صص ۱۱۳۰، ۱۵۰۶؛ محمدحسین بن خلف تبریزی برهان ۱۳۶۱. برهان قاطع، به اهتمام محمد معین، ج ۲، تهران: امیرکبیر، صص ۵۶۰، ۵۹۱-۵۹۲؛ فضل‌الله بن روزبهان خنجی ۱۳۸۴. مهمان‌نامه‌ی بخارا، تصحیح منوچهر ستوده، تهران: علمی و فرهنگی، ص ۴۲؛ حسن انوری ۱۳۸۱. فرهنگ بزرگ سخن، ج ۳، تهران: سخن، صص ۲۰۹۰، ۲۲۰۰.

شکل تلفظ آن در فرهنگ‌های واژگان به یک صورت نیامده است؛ آن‌چنان که این واژه، به صورت‌های جَنقی^۱ (Janki) و جانتقی^۲ (Jānki) ضبط شده است؛ که در هر دو شکل، به یک معناست؛ مضافاً این که شکل آن به صورت جَنقی (Janaki) و جانتقی (Jānaki) نادرست می‌نماید.^۳ این واژه، در آثار تاریخی نگاشته شده در دوره‌ی صفوی، بجز در یک منبع که به صورت جَنقی آمده،^۴ به صورت «جانتقی» ضبط گردیده است. شاردن در *سفرنامه‌ی خویش*، واژه‌ی جانتقی را به صورت نادرست و با لفظ Ichengui آورده است.^۵

پیشینه‌ی مجمع جانتقی

اصطلاح جانتقی که برای شورای مملکتی صفویان به کار می‌رفته است، به سازمان اصلی مغولی و تیموری برمی‌گردد.^۶ گزارش‌های معدودی وجود دارد که از وجود این مجمع در پیش از صفویه، در عهد ایلخانی و تیموری، حکایت می‌کند. بنا بر گزارش حبیب السیر «ارتق بوکا از هراس حمله [ی] هولاکو به ماوراءالنهر و ترکستان، مجمع جانتقی تشکیل داد و با امرا به مشورت پرداخت».^۷ در دوره‌ی تیموری نیز، با توجه به اهمیت کنکاش و مشورت نزد امیر تیمور (حک: ۷۲۶-۸۰۷ ه.ق)، مجمع جانتقی برای مشورت در امور، تشکیل می‌شد.^۸ با گذشت زمان، این مجمع به دولت آق‌قویونلو و ازبکان معاصر صفویان نیز راه یافت.^۹

مجمع جانتقی در دوره‌ی صفویه

در دوره‌ی صفویه، به طور کلی، دو مجمع سلطنتی وجود داشت، که یکی را مجلس (مخفل)

۱ ناظم الاطباء، همان، ج ۲، ص ۱۱۳۰، مجهول المؤلف ۱۳۵۰. *عالم آرای صفوی*، تصحیح اصغر منتظر صاحب، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، صص ۲۷۶، ۲۸۷، ۲۸۹، ۳۴۰، ۴۴۶؛ برهان، همان، ج ۲، ص ۵۹۱.

۲ استرآبادی، همان‌جا؛ ناظم الاطباء، همان، ج ۲، ص ۱۰۵۶؛ برهان، همان، ج ۲، ص ۵۶۰.

۳ انوری، همان‌جا.

۴ *عالم آرای صفوی*، همان‌جا.

5 Jean Chardin 1811. *Voyages du Chevalier Chardin in Perse*, Paris: Le Normant Imprimeur- Libraire.

۶ مینورسکی، همان، ص ۷۸.

۷ غیاث‌الدین بن همام خواندمیر [بی تا]. *حبیب السیر فی اخبار افراد بشر*، [بی جا]: کتابخانه‌ی خیام.

۸ ابوطالب حسینی تربتی ۱۳۴۲. *تذکرات تیموری (به همراه ترجمه‌ی انگلیسی)*، مقال اول، طهران: کتابفروشی اسدی؛ شرف‌الدین علی یزدی ۱۳۸۷. *ظفرنامه*، تصحیح سعید میرمحمدصادق و عبدالحسین نوایی، ج ۲، تهران: مجلس شورای ملی، ص ۱۱۸۹.

۹ فضل‌الله بن روزبهان خنجی ۱۳۸۲. *تاریخ عالم آرای امینی*، تصحیح محمدکبیر عشیق، تهران: میراث مکتوب، ص ۱۳۹؛ خنجی ۱۳۸۴.

همان‌جا؛ ابوبکر طهرانی ۱۳۵۶. *کتاب دیار بکر*، تصحیح نجاتی لوغال و فاروق سومر، تهران: کتابخانه‌ی طهوری، صص ۱۲۷، ۱۷۹-۱۸۰.

۲۶۳، ۲۷۲، ۴۲۰؛ مجهول المؤلف ۱۳۸۴. *عالم آرای شاه اسماعیل*، تصحیح اصغر منتظر صاحب، تهران: علمی و فرهنگی، صص ۳۲۹، ۴۲۸؛

محمودبن هدایت الله افوشته‌ی نطنزی ۱۳۷۳. *نقاوه‌الآثار فی ذکر الاخبار*، تصحیح احسان اشراقی، تهران: علمی و فرهنگی، ص ۴۲۳.

بهشت آیین و دیگری را مجمع جانقی می‌نامیدند. مجلس بهشت آیین، نهاد ناظر بر اداره‌ی کشور بود،^۱ که در اوایل دوره‌ی صفویه، با شرکت دوازده نفر از صاحب‌منصبان صفوی، به‌طور مرتب در دربار تشکیل می‌گردید،^۲ و در عهد شاهان نابالغ صفوی بسیار اهمیت پیدا کرد، آن‌چنان که اداره‌ی امور حکومتی، عملاً در اختیار اعضای مجلس بهشت آیین قرار می‌گرفت.^۳ ریاست هر دو مجمع بر عهده‌ی شخص شاه بود و اعضای هر دو مجمع را صاحب‌منصبان درباری، اداری و نظامی تشکیل می‌دادند. مجلس بهشت آیین، نسبت به مجمع جانقی، دارای اعضای بیش‌تری بود. اعضای این مجمع، علاوه بر اعضای اولیه و ثانویه مجمع جانقی،^۴ شامل بسیاری از مناصب درباری، که به امور تدارکات و پذیرایی مجلس اشتغال داشتند، نیز بود.^۵ در منابع اداری باقی‌مانده از این عصر، در بیان اعضای مجلس بهشت آیین، به اعضای مشترک، با قید عضویت در مجمع جانقی تأکید شده است. وظیفه‌ی اصلی هر دو مجمع، مشاوره و تصمیم‌گیری در باب مسائل خاصی بود که اعضای آن فقط نظر مشورتی و تصمیم‌سازی داشتند و تصمیم نهایی به وسیله‌ی شخص شاه گرفته می‌شد.^۶

در ابتدای دوره‌ی صفوی، چهار تن از امراء در جرگه‌ی مشاوران اصلی شاه قرار داشتند،^۷ که می‌توان گفت مشاوره‌ی شاه با این افراد به منزله‌ی کاشت هسته‌ی اولیه‌ی نهادهای مشورتی دربار صفوی بود؛ اما بعدها امر مشورت نهادینه شد و اعضای بیش‌تری به جرگه‌ی مشاوران شاه پیوستند و مجموعاً هفت مقام عالی‌رتبه به شرح زیر، اعضای اصلی مجمع جانقی را تشکیل می‌دادند: ۱. وزیر اعظم یا اعتمادالدوله؛ ۲. قورچی‌باشی؛ ۳. قوللر آقاسی؛ ۴. ایشیک آقاسی‌باشی دیوان اعلی؛ ۵. تفنگچی آقاسی؛ ۶. دیوان بیگی؛ ۷. مجلس نویس یا واقعه‌نویس.^۸ در اواخر دوره‌ی شاه سلطان حسین صفوی (حک: ۱۱۰۵-۱۱۳۵هـ.ق)، در چند مجمع، ناظر بیوتات، مستوفی الممالک و امیر شکارباشی نیز حضور داشته‌اند، و اگر مجمع در خصوص فرستادن سپه‌سالار

۱. ویلم فلور ۱۳۸۷. دیوان و قشون در عصر صفویه، ترجمه‌ی کاظم فیروزمنند، تهران: نشر آگه، ص ۴۸.

۲. وینچنتودالساندری ۱۳۸۱. سفرنامه‌ی ونیزیان در ایران، ترجمه‌ی منوچهر امیری، تهران: خوارزمی، ص ۴۷۰؛ فلور، همان، ص ۵۰.

۳. مینورسکی، همان، ص ۷۹؛ فلور، همان، ص ۴۹.

۴. نک: ادامه‌ی مقاله.

۵. میرزا رفیعا ۱۳۸۵. تعلیقات دستور الملوک، تصحیح محمد اسماعیل مارچینکوفسکی، ترجمه‌ی علی کردآبادی، با مقدمه‌ی منصور صفت‌گل، تهران: وزارت امور خارجه، صص ۴۲۱-۴۳۶.

۶. میرزا علی‌نقی نصیری ۱۳۷۱. القاب و مواجب دوره‌ی سلاطین صفوی، تصحیح یوسف رحیم‌لو، مشهد: دانشگاه فردوسی، ص ۳۱؛ فلور، همان‌جا.

۷. دالساندری، همان، ص ۴۷۱.

۸. میرزا رفیعا، همان، ص ۱۸۶؛ میرزا سمیعا ۱۳۷۸. تذکره‌الملوک، تصحیح محمددبیر سیاقی، تهران: امیرکبیر، ص ۵.

«به سمتی از اطراف ممالک محروسه» منعقد می‌گردید، حضور سپه‌سالار نیز الزامی بود.^۱ به‌همین سبب، در کتاب *القباب و مواجب دوره‌ی سلاطین صفوی*، این مقام به اشتباه - به جای دیوان بیگی، از اعضای اصلی مجمع شمرده شده است.^۲

شاردن، در بیان ترتیب اعضای مجمع جانتقی، بجز مناصب مذکور، مناصبی مانند منجم‌باشی، حکیم‌باشی، خواجه سرایان و مهتر را نیز نام می‌برد و درباره‌ی دو منصب اخیر می‌افزاید که پیش‌تر در حضور شاه و در این‌گونه جلسات، اجازه‌ی جلوس نداشته‌اند.^۳ به‌نظر می‌رسد که حضور این صاحب‌منصبان در مجمع جانتقی همیشگی نبوده، و مربوط می‌شده‌است به زمان مرگ شاه عباس دوم (حک: ۱۰۵۲-۱۰۵۷) که مجمع در شرایط آشفته و غیر عادی در دربار منعقد گردیده بود. لازم به ذکر است که توپچی‌باشی نیز گاهی در زمره‌ی اعضای مجمع جانتقی بوده است.^۴

اعضای مذکور، زمانی در مجمع جانتقی حضور می‌یافتند که مجمع در دولخانه (دربار) تشکیل می‌شد، اما در مواردی که اضطرار یا موقعیت نامناسب زمانی، مانند جنگ یا لشکرکشی موجب تشکیل مجمع می‌گشت، امرای لشکری و صاحب‌نظران همراه - که البته در منابع به طور کلی به آن‌ها اشاره شده است -^۵ در مجمع شرکت می‌کردند و شاه با آنان به مشورت می‌پرداخت. بنابراین، در مواقع جنگی، قاعده‌ی خاصی در باب صاحب‌منصبان حاضر در مجمع وجود نداشت، که این بی‌قاعدگی علاوه بر اینکه شامل اعضای مجمع می‌شده است، در مورد تعیین مکان مجمع و تشریفات معمول نیز دیده می‌شود.

۱ میرزا رفیعا، همان‌جا؛ میرزا سمیعا، همان‌جا.

۲ نصیری، همان، ص ۳۱.

۳ شاردن، همان، ج ۴، ص ۱۱۶۴.

۴ نصیری، همان، ص ۲۳.

۵ در منابع به صاحب‌منصبان خاصی اشاره نشده و عناوین متعددی برای حاضران در مجمع ذکر شده است. برای نمونه: *جهاگشای خاقان* [بی تا]. به کوشش الله دتا مضطر، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ص ۳۵۸ (امرای عالی شأن و مقربان اقدس)؛ *عالم آرای شاه اسماعیل*، همان، ص ۵۲۰ (امرای عظام)؛ ابراهیم امینی هروی ۱۳۸۳. *فتوحات شاهی*، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، صص ۱۰۶، ۱۰۷ (امرای لشکر و رؤس عساکر)؛ شاه طهماسب صفوی ۱۳۴۳. *تذکره*، به اهتمام عبدالشکور، برلن: چاپخانه‌ی کاویانی، صص ۲۱، ۵۳ (امراء، یوزباشیان، قورچیان، عقلا و لشکریان)؛ احمدبن شرف‌الدین قمی ۱۳۸۳. *خلاصه‌التواریخ*، تصحیح احسان اشراقی، تهران: دانشگاه تهران، ج ۱، ص ۲۱۷ (امراء، یوزباشیان و قورچیان)؛ اسکندربیک ترکمانی منشی ۱۳۸۷. *تاریخ عالم آرای عباسی*، تصحیح ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، ج ۲، ص ۶۲۴ (امرای عظام و ریش سفیدان عاقبت بین).

مکان و تشریفات برگزاری مجمع

با توجه به شرایط، مکان تشکیل مجمع متغیر بود. در شرایط عادی که مجمع در دولخانه تشکیل می‌شد، مکان گردهم‌آبی اعضا، کشیک‌خانه‌ی ایشیک آقاسی‌باشی حرم^۱ یا کشیک‌خانه‌ی وزیر دیوان‌اعلی، یا در اتاق مهتر و یا هر مکانی که به اعضا دستور داده می‌شد، بوده است.^۲ در موارد دیگر، که مجمع خارج از دولخانه بود، از جمله در زمان جنگ یا مواقع اضطرار، در همان مکان که اعضا یا شاه حضور داشتند، برگزار می‌شد. برای نمونه، شاردن در ضمن بیان مسئله‌ی جانشینی شاه عباس دوم، از خیمه‌های آراسته به انواع ااثیه و اسباب عالی که در یکی از باغ‌های اقامتی شاه قرار داشت، سخن می‌راند، که بزرگان در آن خیمه‌ها به مشورت می‌پرداختند.^۳

در مواقع جنگ، تشریفات در تشکیل مجمع و روند تصمیم‌گیری در آن دیده نمی‌شود؛ اما عموماً هنگامی که امر مورد مشورت غیر جنگی بود، تشریفات خاصی صورت می‌گرفت و اعضا برای حضور در مجمع، لباس مخصوصی می‌پوشیدند و مانع حضور افراد غریبه در اطراف مکان برگزاری مجمع می‌شدند.^۴

ترتیب استقرار اعضای مجمع، بنا به گزارش شاردن، در دو ردیف راست و چپ، بدین قرار بوده است:

صدر اعظم یا اعتماد الدوله، قوللر آقاسی و دیوان بیگی در طرف راست؛ تفنگچی آقاسی و واقعه نویس در طرف چپ.^۵ در گزارش شاردن، مکان قورچی باشی و ایشیک آقاسی‌باشی نامعلوم مانده است، که با توجه به ترتیب استقرار مناصب در مجلس بهشت آیین، می‌توان این گزارش را این‌چنین تکمیل کرد: قورچی‌باشی در جانب چپ، پس از وزیر اعظم می‌نشست، و ایشیک آقاسی‌باشی دیوان‌اعلی نیز در جانب چپ و پایین‌تر از قوللر آقاسی قرار می‌گرفت.^۶ در روند تصمیم‌گیری در مجمع، تشریفات خاصی حکم‌فرما بوده است. در این باره، گزارش میرزا علی نقی نصیری به اجمال ذکر می‌شود:

۱ این منصب با ایشیک آقاسی‌باشی دیوان‌اعلی تفاوت دارد. نک: میرزا رفیعا، همان، صص ۲۶۳، ۲۶۴؛ میرزا سمیعا، همان، صص ۲۷؛ نصیری، همان، صص ۳۰، ۳۱.
 ۲ نصیری، همان، صص ۳۱.
 ۳ شاردن، همان، ج ۴، صص ۱۱۶۴.
 ۴ نصیری، همان‌جا؛ شاردن، همان‌جا.
 ۵ شاردن، همان‌جا.
 ۶ نصیری، همان، صص ۱۳، ۱۸.

«ضابطه آن است که بعد از آنکه نواب اشرف اعلی در خصوص مقدمه‌ای مقرر فرمایند که امرای جاقی نمایند، باید هفت نفر امیر همگی حلقه زده، آن امری را که پادشاه فرموده باهم شور نمایند و آنچه را که رای همگی قرار گرفته صلاح دانند. مجلس نویس، عریضه از جانب امرای جاقی که بنا گذاشته‌اند قلمی و اگر احدی از امرای عظام اختلاف رای با سایر امرای نماید، رای آن امیر را مجلس نویس علی حده قلمی و همگی ضمن آن عریضه را به مهر خود مهور ساخته، مجلس نویس به اعتبار آن که خود عریضه را نوشته و قائل به مضمون آن نیست، مهر نمی‌کند. بعد از آن، وزیراعظم سر آن عریضه را مهر و به ایشیک آقاسی باشی حرم محترم داده، او به ریش سفید حرم علیه تسلیم نموده، به خدمت اشرف می‌فرستد. ساعتی، امرای در مکانی که نشسته‌اند، توقف می‌نمایند تا جواب برآید. بعد از آمدن جواب، به هر نحوی که مقرر شده باشد، عمل می‌نمایند.»^۱

کارکردهای مجمع جاقی

همان گونه که پیش‌تر ذکر شد، هدف از تشکیل مجمع جاقی، مشورت در امور مهم و وظیفه‌ی اصلی اعضای آن ارائه‌ی مشورت به شاه بوده است. برخی از محققان، در ضمن نگاشته‌های خود، به طور گذرا به مجمع جاقی اشاره کرده و ضمن بی‌اهمیت دانستن آن، کارکردی اساسی برای آن قائل نشده‌اند.^۲ رهبرین نیز - به اشتباه - کارایی این مجمع را در مواردی می‌دانند که شاه، صغر سن داشته و یا به دلایل دیگر، امکان حاکمیت برای وی میسر نبوده است.^۳ برخلاف گفته‌ی رهبرین، هیچ گزارشی از تشکیل مجمع، به دلیل صغر سن یا ناتوانی شاه در اداره‌ی امور، وجود ندارد و احتمالاً این محققان مجمع جاقی را با مجلس بهشت آیین یکی دانسته و نتوانسته‌اند حوزه‌ی کارکردی این دو مجمع را از هم تمیز دهند.

همچنین، مجمع جاقی در دوران اقتدار شاهان صفوی، به کرات تشکیل شده است و این نشان دهنده‌ی عدم ارتباط تشکیل مجمع با صغر سن و ناتوانی شاه است. صفت گل نیز در نقد تعلیقات مارچینکوفسکی بر دستورالملوک، این سخن محققان غربی را رد می‌کند و می‌نویسد:

۱ همان، ص ۳۱.

۲ میرزا رفیعا، همان، ص ۳۷۶. مارچینکوفسکی این سخن را به سیوری نسبت می‌دهد، در حالی که سیوری، این موضوع را در مورد دیوان اعلی مطرح کرده است، نه در باب مجمع جاقی. نک:

Roger M. Savory 1960. *The Principal Offices of the Safawid State during the Reign of Tahmāsp I*, pp 71-77.

۳ به نقل از فلور، همان، ص ۴۹.

«جائقی، در حکم شورای عالی دربار بود که در موارد مهم تشکیل می‌شد و ربطی به صغر سن شاه صفوی نداشت». اما وی نیز به اموری که مجمع بر آن اساس تشکیل می‌شد، اشاره‌ای نمی‌کند. با مطالعه‌ی تاریخ دوره‌ی صفویه و دقت در مواقعی که مجمع جائقی تشکیل می‌شد، می‌توان متوجه کارکرد آن شد. بر اساس شواهد تاریخی موجود، این مجمع در باب دو موضوع تشکیل جلسه می‌داد:

الف. برای مشورت در امور جنگی. مجمع جائقی در مواقع جنگی، خارج از دولخانه و با شرکت امرای لشکر و صاحب نظران و بدون هرگونه تشریفات خاص، تشکیل می‌شد، که در زیر به نمونه‌هایی از تشکیل مجمع مذکور در زمان جنگ، اشاره می‌گردد:

در دوره‌ی شاه اسماعیل اول (حک: ۹۰۶-۹۲۹هـ.ق) و در حمله به ارزجان؛^۲ در سال ۹۱۶هـ.ق، برای دفع شیبک خان و فتح خراسان؛^۳ در سال ۹۲۰هـ.ق، در آستانه‌ی جنگ چالدران؛^۴ در زمان طهماسب اول (حک: ۹۲۹-۹۸۶هـ.ق)، برای دفع شورش اولامه سلطان در تبریز؛^۵ در سال ۹۳۸هـ.ق و در زمان شاه طهماسب اول، برای مقابله با حمله‌ی عثمانی؛^۶ در زمان طهماسب اول، در جریان شورش القاس میرزا و حمله‌ی عثمانی؛^۷ در زمان محمد خدابنده (حک: ۹۸۶-۹۹۶هـ.ق) در حمله به خراسان و دفع فتنه‌ی خراسانیان؛^۸ در زمان محمد خدابنده، پس از تسلط عثمانی بر ایروان؛^۹ در زمان شاه عباس اول (حک: ۹۹۶-۱۰۳۸هـ.ق) به سبب درگیری با دینم سلطان در خراسان؛^{۱۰} در سال ۱۰۱۲هـ.ق، در جنگ با ازبکان؛^{۱۱} در سال ۱۱۳۳هـ.ق و در زمان سلطان حسین صفوی، در حمله‌ی افغانان به کرمان.^{۱۲}

۱ میرزا رفیعا، همان، ص ۷۹.

۲ امینی هروی، همان جا.

۳ جهانگشای خاقان، همان، صص ۳۵۸، ۳۵۹.

۴ عالم آرای صفوی، همان، ص ۴۸۴؛ عالم آرای شاه اسماعیل، همان، ص ۵۲۰؛ مرشدنامه، نسخه‌ی خطی کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی، شماره‌ی ثبت ۱۱۶۷۱/۷۹۰۶۰، گ ۱۳۸ ب.

۵ عبدی بیگ نویدی شیرازی ۱۳۶۹. تکملة الاخبار، تصحیح عبدالحسین نوائی، تهران: نشر نی، ص ۷۲.

۶ شاه طهماسب صفوی، همان، ص ۲۱؛ قمی، همان، ج ۱، ص ۲۱۷.

۷ شاه طهماسب صفوی، همان، ص ۵۳.

۸ منشی، همان، ج ۱، ص ۲۸۰.

۹ همان، ج ۱، ص ۲۹۶.

۱۰ میرزا بیگ حسن جنابدی ۱۳۷۸. روضة الصفویه، تصحیح غلامرضا مجد طباطبایی، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار، ص ۶۹۰.

۱۱ منشی، همان، ج ۲، ص ۶۲۴.

۱۲ محمدحسن مستوفی ۱۳۷۵. زبدة التواریخ، به کوشش بهروز گودزری، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار، ص ۱۲۷.

ب. برای تعیین جانشین شاه صفوی. تشکیل مجمع در این گونه موارد، با تشریفات فراوان صورت می‌گرفت و در دو برهه از تاریخ صفوی نقش ایفا کرده است:

در سال ۱۰۷۷هـ.ق، پس از مرگ شاه عباس دوم، برای تعیین جانشین وی، این مجمع برگزار گردید که شاه سلیمان صفوی (حک: ۱۰۷۷-۱۰۵هـ.ق) به تخت نشاند شد؛^۱ در سال ۱۰۵هـ.ق، پس از مرگ شاه سلیمان که منجر به سلطنت شاه سلطان حسین گردید.^۲

با توجه به موارد ذکر شده، مجمع جاققی در دو زمینه‌ی جنگ و جانشینی تشکیل می‌شد، که تشکیل آن در مواقع جنگی از ابتدای حکومت صفویه وجود داشته است؛ اما تشکیل جلسات آن برای مشورت درباره‌ی تعیین جانشین، تنها در اواخر دوره‌ی این حکومت، صورت گرفته است. قابل ذکر است که در مواردی که امر مورد مشورت، جنگی بود، شخص شاه به‌طور مستقیم ریاست مجمع را بر عهده می‌گرفت؛ اما در تعیین جانشین، به علت درگذشت شاه، ریاست مجمع بر عهده‌ی بالاترین مقام پس از وی، یعنی وزیر اعظم، بوده است. با توجه به مورد اخیر و همچنین گزارش میرزا علی نقی نصیری در باره‌ی روند تصمیم‌گیری در مجمع، می‌توان این گونه نتیجه گرفت، که برخلاف مجلس بهشت آیین، مجمع جاققی، جز در مواردی که در دربار تشکیل می‌شد، تحت ریاست مستقیم شاه قرار نداشته است.

اهمیت مجمع جاققی

جایگاه و اهمیت والای مجمع جاققی در دیوان‌سالاری صفوی، از دو راه قابل تشخیص است: یکی از طریق وظایف این مجمع، و دیگری اعضای آن. با توجه به فراوانی انعقاد مجمع در زمان جنگ، می‌توان آن را نوعی شورای جنگی نامید. در واقع، این مجمع، یکی از مهم‌ترین مسائل و چالش‌های حکومتی را به کنکاش می‌گذاشت. با مرور در تاریخ این دوره، می‌توان دریافت که عمدتاً دو رویداد کلی همواره ذهن شاهان و صاحب منصبان صفوی را به خود مشغول می‌داشت: یکی جنگ و دیگری مسئله‌ی جانشینی بود، که برجستگی و اهمیت هر دو، در حکومت صفوی آشکار است. وجود اضطرار و نابهنگامی هر دو مسئله، اهمیت تصمیم‌ها را دو چندان می‌کرد. در نتیجه، مجمع جاققی، که مجلس مشورت درباره‌ی دو موضوع مهم

۱ شاردن، همان، ج ۴، صص ۱۶۱۴-۱۶۲۴.

۲ محمد ابراهیم بن زین‌العابدین نصیری ۱۳۷۳. دستور شه‌ریاران، به کوشش محمد ناصر نصیری مقدم، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار، ص ۱۶.

مذکور بود، با اهمیت تلقی می‌گردد.

عضویت صاحب منصبان ارشد حکومت صفوی نیز در این مجمع بیان‌گر اهمیت آن است.^۱ اعضای اصلی مجمع، در رأس دیوان‌سالاری صفویه قرار داشتند و بالاترین مراجع رسیدگی به وظایف گروه‌های زیردست خود محسوب می‌شدند؛ به طوری که وزیر اعظم، اولین و مهم‌ترین منصب اداری را دارا بود و بیش‌ترین اختیارات را در دست داشت. در باب اهمیت چهار منصب قورچی باشی، قوللر آقاسی، ایشیک آقاسی باشی دیوان اعلی و تفنگچی آقاسی، همین بس که به عنوان ارکان چهارگانه‌ی دولت صفوی شناخته می‌شدند.^۲ آنچه مسلم است، این است که اعضای مجمع جاقی را برجسته‌ترین مقامات دربار تشکیل می‌دادند و حضور مهم‌ترین مناصب دیوان‌سالاری صفوی در مجمعی که دارای محدودیت‌هایی برای حضور مناصب کم‌اهمیت‌تر بوده است، مبین اهمیت مجمع است.

نتیجه و پیشنهاد

مجمع جاقی یا شورای عالی دربار، بیشتر در مواقع جنگ یا دفاع در برابر دشمن تشکیل می‌گردید و در این مجمع، در باب شیوه‌ی برخورد با دشمن، به مشورت پرداخته می‌شد. در این گونه مواقع، به علت نیاز به سرعت عمل، عموماً تشریفات معمول در تشکیل مجمع رعایت نمی‌شد و اعضای مجمع را صاحب منصبان همراه شاه تشکیل می‌دادند که تحت ریاست مستقیم شاه قرار داشتند. کارکرد دیگر مجمع، گردهم‌آبی و مشورت درباره‌ی تعیین جانشین بود که با تشریفات کامل و با حضور اعضا، صورت می‌گرفت، و به دلیل فقدان شاه، ریاست مجمع بر عهده‌ی وزیر اعظم بود. اعضای اصلی مجمع را صاحبان هفت منصب مهم تشکیل می‌دادند؛ اما در برهه‌های مختلف، اعضای دیگری که کم‌اهمیت‌تر نیز بودند، مجال حضور در مجمع را می‌یافتند. این در حالی است که در مجلس بهشت آیین که در دربار تشکیل می‌شد، امر مورد مشورت، مربوط به یک مسئله‌ی خاص نبود و برای موضوع‌های متعدد تشکیل می‌گردید. تعداد اعضای این مجلس نیز، نسبت به مجمع جاقی، بیش‌تر، و محدودیت‌های حضور صاحب منصبان در مجلس بهشت آیین، نسبت به مجمع جاقی، کم‌تر بوده است. همچنین، مجلس

۱ برای اطلاع بیش‌تر در مورد جزئیات مناصب، وظایف و اختیارات آنان، نک: تعلیقات مارچینکوفسکی بر دستورالملوک؛ مینورسکی، سازمان اداری حکومت صفوی؛ فلور، دیوان و قشون در عصر صفوی.

۲ میرزا رفیعا، همان، ص ۱۸۶؛ میرزا سمیعا، همان، ص ۵.

بهشت آیین، با تشریفات و تدارکات فراوان و همواره تحت ریاست مستقیم شاه، تشکیل می‌گردید.

اهمیت مجمع جانقی، هم در تصمیم‌هایی بود که به شورا کشیده می‌شد، و هم در اهمیت موقعیت صاحب منصبانی که اعضای مجمع را تشکیل می‌دادند؛ به طوری که اعضای اصلی مجمع، همگی از بزرگان دربار صفوی بودند و در حیطه‌ی مسئولیت‌های خویش، بالاترین مقام و منصب‌ها را در اختیار داشتند. اهمیت اموری که در مجمع، مورد مشورت قرار می‌گرفت، به‌حدی بود که تداوم دولت صفوی در گرو تصمیم‌هایی بود که درباره‌ی این امور اتخاذ می‌شد. نیاز به سرعت عمل در تصمیم‌گیری در خصوص امور محول شده به مجمع، خود میبایست اهمیت تصمیم‌ها بوده است، که بی‌تردید، اهمیت مجمع را افزایش می‌داد. گفتنی است که این پژوهش بیش‌تر در صدد تبیین مجمع جانقی بوده و حسب مورد اشاره‌ای گذرا به مجلس بهشت آیین کرده است، که جا دارد تحقیق مستقلی در خصوص این مجلس و مقایسه‌ی کامل آن با مجمع جانقی، با استناد به شواهد تاریخی، صورت گیرد.

منابع

- استرآبادی، میرزا مهدی خان ۱۳۷۳. سنگلاخ، به کوشش روشن خیای، تهران: نشر مرکز.
- افشته‌ای نطنزی، محمود بن هدایت الله، ۱۳۷۳. *تقاوة الآثار فی ذکر الاخیار*، تصحیح احسان اشراقی، تهران: علمی و فرهنگی.
- امینی هروی، ابراهیم ۱۳۸۳. *فتوحات شاهی*، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- انوری، حسن ۱۳۸۱. *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران: انتشارات سخن.
- برهان، محمدحسین بن خلف تبریزی ۱۳۶۱. *برهان قاطع*، به اهتمام محمد معین، تهران: امیرکبیر.
- جنابادی، میرزا بیک حسن ۱۳۷۸. *روضه‌الصفویه*، تصحیح غلامرضا مجد طباطبائی، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
- جهانگشای خاقان [بی‌تا]. *مجهول المؤلف*، به کوشش الله دتا مضطر، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- حسینی تربتی، ابوطالب ۱۳۴۲. *تذکرات تیموری (به همراه ترجمه‌ی انگلیسی)*، طهران: کتابفروشی اسدی.
- خنجی، فضل الله بن روزبهان ۱۳۸۲. *تاریخ عالم آرای امینی*، تصحیح محمد اکبر عشیق، تهران: میراث مکتوب.
- ----- ۱۳۸۴. *مهمان نامه‌ی بخارا*، تصحیح منوچهر ستوده، تهران: علمی و فرهنگی.
- خواندمیر، غیاث الدین بن هماد [بی‌تا]. *حسیب السیر فی اخبار افراد بشر*، [بی‌جا]، کتابخانه‌ی خیام.
- دالساندری، وینچنتو ۱۳۸۱. *سفرنامه‌ی ونیزیان در ایران*، ترجمه‌ی منوچهر امیری، تهران: خوارزمی.

- شاردن، ژان ۱۳۷۴. سفرنامه، ترجمه‌ی اقبال یغمایی، تهران: توس.
 - شاه طهماسب صفوی ۱۳۴۳. تذکره، به اهتمام عبدالشکور، برلن: چاپخانه‌ی کاویانی.
 - طهرانی، ابوبکر ۱۳۵۶. کتاب دیاربکریه، تصحیح نجاتی لوغال و فاروق سومر، تهران: کتابخانه‌ی طهوری.
 - عالم‌آرای شاه اسماعیل ۱۳۸۴. مجهول المؤلف، تصحیح اصغر منتظر صاحب، تهران: علمی و فرهنگی.
 - عالم‌آرای صفوی ۱۳۵۰. مجهول المؤلف، به کوشش یدالله شکری، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
 - فلور، ویلم ۱۳۸۷. دیوان و قشون در عصر صفویه، ترجمه‌ی کاظم فیروزمند، تهران: نشر آگه.
 - قمی، احمد بن شرف‌الدین ۱۳۸۳. خلاصه‌التواریخ، تصحیح احسان اشراقی، تهران: دانشگاه تهران.
 - مرشدنامه. مجهول المؤلف، نسخه‌ی خطی کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی، شماره‌ی ثبت: ۷۹۰۶۰/۱۱۶۷۱.
 - مستوفی، محمدحسن ۱۳۷۵. زبدةالتواریخ، به کوشش بهروز گودرزی، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
 - منشی، اسکندریک ترکمان ۱۳۸۷. تاریخ عالم‌آرای عباسی، تصحیح ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
 - میرزا رفیعا ۱۳۸۵. دستورالملوک، تصحیح محمد اسماعیل مارچینکوفسکی، ترجمه‌ی علی کردآبادی و با مقدمه‌ی منصور صفت گل، تهران: وزارت امور خارجه.
 - میرزا سمیعا ۱۳۷۸. تذکره‌الملوک، تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران: امیرکبیر.
 - مینورسکی، ولادیمیر ۱۳۷۸. سازمان‌اداری حکومت صفوی، ترجمه‌ی مسعود رجب‌نیا، تهران: امیرکبیر.
 - ناظم‌الاطباء، علی اکبر نفیسی [بی‌تا]. فرهنگ نفیسی، تهران: کتابفروشی خیام.
 - نصیری، محمدابراهیم بن زین العابدین ۱۳۷۳. دستور شهیریاران، به کوشش محمد نادر نصیری مقدم، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
 - نصیری، میرزا علی نقی ۱۳۷۱. القاب و مواجب دوره‌ی سلاطین صفوی، تصحیح یوسف رحیم‌لو، مشهد: دانشگاه فردوسی.
 - نویدی شیرازی، عبدی بیگ ۱۳۶۹. تکملة الاخبار، تصحیح عبدالحسین نوائی، تهران: نشر نی.
 - یزدی، شرف‌الدین علی ۱۳۸۷. نظرنامه، تصحیح سعید میر محمد صادق و عبدالحسین نوائی، تهران: مجلس شورای اسلامی.
- Chardin, Jean 1811. *Voyages du Chevalier Chardin en Perse*, Paris, Le Normant Imprimeur-Libraire.
 - Savory, Roger.M 1960. *The Principal Offices of the Safawid State during the Reign of Tahmāsp I (930-984/1524- 1576)*, london, Bulletin of the School of Oriental and African Studies(BSOAS), vol 24.